



نظام اسلامی و حریم خصوصی شهروندان

محمد منصورنژاد*

نوشتار حاضر در عناوین زیر سامان یافته است: الف) مدخل بحث، ب) دولت اسلامی و حریم خصوصی شهروندان، ج) نتیجه گیری.
الف) مدخل بحث: در این مدخل، سه عنوان زیر بررسی گردیده است: ۱) طرح مطلب، ۲) مفهوم بندگی و تمرکز بحث، ۳) رویکرد نظام‌های سیاسی و دولت‌ها و حریم خصوصی.

◁ (۱) طرح مطلب

اگر امروز گفته شود بشریت گرایش به رعایت حقوق بشر و حقوق شهروندی دارد، به نظر قابل قبول می‌رسد؛ زیرا سیر حکومت‌های بشری، از امپراتوری‌های بزرگ، به سوی دولت‌های مطلقه و از دولت مطلقه به دولت - ملت‌ها

عقوبات

سال دوازدهم / شماره دوم



(Nation-state) کشانده شده و به خصوص در قرن بیستم است که حق رأی عمومی پذیرفته شده و تا حدی مردم‌گرایی نفوذ و سیطره یافته است که حتی دیکتاتورترین نظام‌ها نیز مدعی مردم‌سالاری‌اند!

اما این داستان روی دیگری نیز دارد که اتفاقاً آن جنبه نیز محصول تجدد و پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی بشر است؛ برای نمونه، وقتی امروزه در پژوهش‌ها سخن از نوسازی شخصیت با برق، خلق شخصیت‌های تازه از طریق جراحی مغز، رام کردن بچه‌های سرکش در مدارس دولتی از طریق شیمیایی، قرص بهره‌هوش، پاک کردن حافظه یا سد کردن راه آموزش و...^۱ سخن به میان می‌آید، به راحتی نمی‌توان از حرمت آدمیان و به خصوص حفظ حریم خصوصی انسان‌ها حرفی به زبان آورد، بلکه حتی می‌توان گفت که در عصر حاضر حریم خصوصی انسان‌ها (جسم، عقل و قلب) به صورت عمیق‌تر و خطرناک‌تری در معرض تهدید است.

در عصر موج سوم، به تعبیر تافلری، گرچه سخن از تهدید امنیت ملی از سوی کاربران وسایل ارتباط جمعی و ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطاتی جدید مانند اینترنت است و با تکنولوژی اطلاعاتی، حفظ حاکمیت ملی دشوار می‌نماید و از سوی افراد جامعه مجازی تهدید می‌گردد،^۲ اما این سکه روی دیگر نیز دارد که قابل توجه است و آن این که دولت‌ها در به کارگیری ابزارهای جنگ اطلاعاتی (ویروس‌ها، کرم‌ها، اسب تروا، بمب منطقی و پالس‌های الکترومگنتیک) و کنترل و دخالت در اطلاع‌رسانی و تعامل ارتباطی، از اشخاص و نهادهای غیردولتی نیرومندترند و بسیار راحت‌تر از سابق، در حریم خصوصی دیگران وارد شده و آن را تهدید می‌کنند. از این‌رو، در گفتمان فرا تجدد نیز حفظ حریم خصوصی شهروندان مسأله‌ای جدی و قابل ملاحظه است.

۱. شرح مبسوط و بالای ۵۵۰ صفحه‌ای بر تکنیک‌هایی که حریم خصوصی و عمومی آدمیان را در عصر مدرن تهدید می‌کنند را ببینید در: پاکارد، ونس (۱۳۷۰) آدسان، ترجمه: حسن افشار، تهران، انتشارات بهبهانی.

۲. در این زمینه و برای ملاحظه تأثیرات تکنولوژی اطلاعاتی بر حاکمیت ملی (عکس مدعای مقاله حاضر) مراجعه شود به: صدوقی، مراد علی (۱۳۸۰) تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی - رسانه‌ای، در قریب ۲۰۰ صفحه.



از آنجا که مسلمانان و نیز ایرانیان در عصر جهانی شدن، دهکده جهانی، ارتباطات، اینترنت و ماهواره و... از تحولات جهانی بی تأثیر نیستند، می توان از آثار، عوارض و تبعات یاد شده در جهان اسلام نیز طرح مطلب نمود و در چنین فضایی پرسید که: نظام اسلامی نسبت به حریم خصوصی شهروندان چه موضعی خواهد داشت؟ به ویژه آن که اگر نظام های غیر دینی تعهد و تقیدی به اخلاقیات، معنویات، تدین و نصوص ندارند، دولت اسلامی، کتاب و سنت و سیره را نیز فراراه خود دارد. با توجه به این عقبه فرهنگی و آسمانی، حریم خصوصی شهروندان در نظام اسلامی چه جایگاهی دارد؟ آیا دولت اسلامی حق ورود به حریم خصوصی شهروندان را دارد یا خیر؟ آیا پاسخ بدین پرسش مطلقاً منفی است یا مثبت و یا نیاز به تفصیل دارد و مشروط به شرایطی «آری» و یا «نه» می باشد؟

◁ ۲) مفهوم بندی و نقطه تمرکز بحث

تا آنجا که صاحب این قلم کاوش نموده، تأمل مستقل و قابل توجهی درباره مفهوم «حریم خصوصی» صورت نپذیرفته است و عمدتاً مطالب مربوط به این بحث، ذیل مباحث مربوط به حقوق و آزادی ها مطرح می شود. به عنوان شاهد، دکتر ابوالفضل قاضی^۱ در مباحث مربوط به حقوق اساسی، ذیل عنوان «مهم ترین حقوق و آزادی ها» با بررسی اعلامیه های مشهور در کشورهای مختلف (اعلامیه حقوق امریکا: ۱۷۹۰؛ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه: ۱۷۸۹ و اعلامیه جهانی حقوق بشر: ۱۹۴۸)، اهم حقوق فردی و آزادی های عمومی را به شرح زیر تلخیص نموده است: (قاضی: ۱۳۸۰، صص ۱۵۶ - ۷۲).

عنوان

سال دوازدهم / شماره دوم



۱۴۲

۱. بحث یاد شده در سایر آثار مربوط به حقوق اساسی نیز منعکس شده است؛ مثلاً دکتر جلال الدین مدنی به صورت مشخص به منع تجسس و تفتیش در وسایل ارتباطی مردم و یا منع تجسس و تفتیش منزل و مسکن افراد می پردازد و ذیل بحث اخیر می نویسد: «تفحص در خانه و مسکن و تجاوز به حریم خصوصی افراد به منظور یافتن دلایل و آثار جرم در صدها حاضر صورت های مختلف پیدا کرده که مهم ترین آن استراق سمع و ضبط مکالمات اشخاص و کنترل ارتباط مردم است.» (مدنی: ۱۳۷۵، ص ۱۰۹).

ردیف	متغیر اصلی	اقسام	ملاحظات
۱	آزادی عملکرد فردی	حق حیات و آزادی تن امنیت آزادی و مصونیت مسکن تعرض ناپذیری مکاتبات آزادی رفت و آمد	-----
۲	آزادی اندیشه	آزادی عقیده و آیین آزادی بیان آزادی آموزش و پرورش آزادی اخبار و اطلاعات آزادی نمایش	-----
۳	آزادی گردهمایی	آزادی تجمعات موقتی آزادی تجمعات دائمی (سازمان پیوندی)	میهمانی‌ها، جمع شدن همکاران اداری، تجمع اعضای انجمن خیریه سازمان‌های انتفاعی سازمان‌های غیرانتفاعی، سندیکاها، احزاب، روشنفکری، هنری، ورزشی، تفریحی، جهانگردی
۴	آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی	آزادی مالکیت آزادی بازرگانی و صنعتی آزادی سندیکایی (حق اعتصاب)	

برای تعیین جایگاه مفهوم بندی مناسب‌تر با توجه به حقوق و آزادی‌های یاد شده، نکات چندی قابل تأکیدند:

اول: مرز بندی بین آزادی‌های خصوصی و آزادی‌های عمومی در موارد فوق، کار سهلی نیست.

دوم: اکثریت حقوق و آزادی‌های یاد شده در کشورهای مدّعی دفاع از آزادی و حقوق فردی، استثناپذیرند و به نحوی مداخله دولت در آن‌ها، در مواردی پذیرفته شده است که در این صورت، حریم خصوصی به صورت مطلق معنا پیدا نمی‌کند.

سوم: در جمهوری اسلامی ایران که از مصادیق نظام‌های اسلامی است، بسیاری از آزادی‌های یاد شده در قانون اساسی با صراحت مطرح و پذیرفته شده‌اند. به عنوان شاهد،



در حیطة
حریم خصوصی،
اصل بر آن است که
کسی حق مداخله
ندارد، و ورود به
آن منطقه مجاز
نیست و دخالت
دیگران در آن حریم
نیاز به دلیل
داشته و مجوز
می طلبد.

اصل ۲۵ قانون اساسی مربوط به ممنوعیت هرگونه تجسس؛ از جمله بازرسی در نامه‌ها، اصل ۲۲ قانون اساسی دربارهٔ مصونیت تعرض به مسکن و اصل ۲۳ دربارهٔ ممنوعیت تفتیش عقاید و... می باشد.

چهارم: شاید بتوان با توجه به مجموعه آزادی‌ها (اعم از خصوصی و عمومی)، حداقل با ذکر دو ویژگی زیر، حریم خصوصی را معرفی نمود؛ به عبارت دیگر، معیارهای تشخیص حقوق مربوط به حریم خصوصی افراد، به قرار زیر است:

۱) در حریم خصوصی، فرد یا افراد حق دارند که شخصاً برای آن تصمیم بگیرند و حریم خصوصی چیزی مربوط به خود و یا شخصیت او بوده و متعلق به اوست، و دیگران در این حیطة حقی ندارند.^۱

۲) در حیطة حریم خصوصی، اصل بر آن است که کسی (فرد، گروه، خانواده، دولت) حق مداخله ندارد، (اصل عدم مداخله دیگران) و ورود به آن منطقه، مجاز نیست و دخالت دیگران در آن حریم نیاز به دلیل داشته و مجوز می طلبد.

با این وصف و براساس ملاک‌های یاد شده، گرچه ممکن است حریم خصوصی از حریم عمومی اثر بپذیرد (تهدید شود یا تثبیت گردد) و یا بر حریم عمومی اثر بگذارد (در چالش بوده و یا همگرا با حریم عمومی قرار گیرد) اما بدون ملاحظهٔ ورودی‌ها و خروجی‌ها، حریم خصوصی را با دو ملاک فوق می توان شناخت.

برای این که تعریف عملیاتی، انضمامی و مشخص تری از حیطة خصوصی ارائه گردد، طرح اقسام حریم شخصی رهگشاست. از یک

۱. دایرة المعارف ویکی پدیا، گرچه برای واژهٔ خصوصی و شخصی (Privacy) مرز نشناخته و مدعی است که این مفهوم برای افراد مختلف معانی مختلف دارد، ولی آن را قابلیت فرد یا گروه برای حفظ زندگی و امور شخصی‌شان خارج از منظر عموم و یا کنترل جریان اطلاعات در بارهٔ خودشان تعریف می کند.

(www. Wikipedia ,the free encyclopedia privacy).

نگاه حریم شخصی و خصوصی در اقسام پنج‌گانه زیر قابل دسته‌بندی است:

(۱) در منازل و اماکن: (Territorial privacy) حق اولیه افراد در مصون ماندن از تعرض و تجاوز دیگران به منازل و اماکن و به طور کلی کلیه مکان‌های سرپوشیده یا محصور متعلق به ایشان است.

(۲) حریم خصوصی جسمانی: (Bodily privacy) حق اشخاص در حمایت و مصونیت از مورد تعرض بودن تمامیت جسمانی و بدنی ایشان، از جمله جنبه‌های مرتبط با سلامت جسمی و روحی و همچنین مشخصات و خصوصیات محرمانه بدنی آنهاست.

(۳) حریم خصوصی در کار: (job privacy) مانند اسرار شغلی و تجاری خصوصی و... است.

(۴) حریم خصوصی اطلاعاتی: (Information privacy) عبارت است از حق اولیه افراد در محرمانه ماندن و جلوگیری از تحصیل پردازش و انتشار داده‌های شخصی مربوط به ایشان، مگر در موارد مصرح قانونی.

(۵) حریم خصوصی ارتباطاتی: (communication privacy) حق اشخاص در امنیت و محرمانه باقی ماندن محتوای کلیه اشکال و صور مراسلاتی و مخابراتی که متعلق به ایشان است. (سراج: ۲۹ فروردین ۱۳۸۶، ص ۷) در آخر، گرچه مداخله کنندگان و آسیب‌زندگان به حریم خصوصی افراد می‌توانند متعدد فرض شوند، ولی مداخله کنندگان از جهت سطح تحلیل سه دسته‌اند: افراد، گروه‌ها و دولت‌ها. در این نوشتار، تمرکز بحث بر اصل مداخله و یا عدم مداخله دولت در حریم خصوصی شهروندان است.

◁ (۳) رویکرد نظام‌های سیاسی و دولت‌ها و حریم خصوصی

در یک نگاه اجمالی، مجموعه دیدگاه‌ها درباره رعایت و یا عدم رعایت حریم خصوصی را در رویکردهای مختلف می‌توان دسته‌بندی کرد: از رویکردهایی که سخت‌گیرترین ضوابط را برای کنترل همه مسائل اشخاص توصیه و تجویز می‌کنند گرفته؛ مثل نظام‌های توتالیتر که در یک قطب قرار می‌گیرند، تا مکاتبی که به دخالت دولت‌ها، به حریم خصوصی اعتقادی ندارند. از این رو فلسفه وجودی دولت و نظام سیاسی در آنها زیر سؤال می‌رود. واضح است که این‌گونه نگاه‌ها قطب دیگر بردار را می‌سازند و میان آنها می‌توان به رویکردهای دیگر اشاره داشت. بررسی تفصیلی رویکردها، پژوهشی مستقل و مبسوط



می‌طلبند، از این رو در اینجا به موضوع در حد اشاره بسنده شده تا مدخلی برای طرح بحث نظام اسلامی و حریم خصوصی شهروندان باشد.

رویکردهای عمده دربارهٔ تعامل دولت با حریم خصوصی افراد، به ترتیب سخت‌گیری تا سهل‌گیری به نحو زیر قابل دسته‌بندی و مطالعه‌اند:

۱) **نظام‌های توتالیتر:** تز اصلی توتالیتریزم (Totalitarianism) و نظام‌های توتالیتری را این‌گونه می‌توان تلخیص نمود که دولت‌ها خود را دارای حق می‌دانند تا در حریم خصوصی و عمومی شهروندان مداخله کنند. از آنجا که ادبیات بسیار موسعی از اندیشه توتالیتری پس از جنگ جهانی دوم تولید شده و در زبان فارسی نیز به آثار فراوانی در این موضوع می‌توان ارجاع داد، نیاز به بسط مطلب نیست. در این زمینه از جمله می‌توان به پژوهش خانم «هانا آرنت» با عنوان «توتالیتریزم؛ حکومت ارباب، کشتار و خفقان»، (آرنت: ۱۳۶۶، ص ۲۶۷) و یاکتاب «جایگاه فاشیسم در تاریخ اروپا» راکه «کیلیبرت آلاردیس» از مقالات دیگران گردآوری و ویرایش نموده است، ارجاع داد. آلاردیس در فصل دوم اثر، فاشیسم را به مثابه توتالیتریزم، مورد بررسی قرار داده است (آلاردیس: ۱۳۷۱، ص ۱۲۴).

۲) **نظام‌های اوتالیتر:** تز اصلی اوتالیتریزم (Authoritarianism) یا نظام‌های اوتالیتر را می‌توان در این گزاره بیان نمود که: نظام‌های سیاسی گرچه حق مداخله در حریم عمومی آحاد جامعه را دارند ولی در حریم خصوصی شهروندان حق ورود ندارند. این‌گونه نظام‌ها که قطعاً، دموکراتیک نیستند و در عین حال در حد نظام‌های استبدادی محض و توتالیتر، خشن نیستند، حداقل در ادبیات سیاسی ایران هنوز به درستی معرفی نشده‌اند و از این رو جا دارد که در اینجا با مراجعه به یکی از قوی‌ترین تئوریسین‌های این‌گونه نظام‌ها؛ یعنی «هابز»، نظام سیاسی اوتالیتر و میزان مداخله‌اش بر حریم خصوصی افراد، مورد بحث قرار گیرد.^۱ از ویژگی‌های خاص دولت اوتالیتر، اختیارات مطلق حاکم است که البته خاستگاه مردمی



۱. نظام‌های اوتالیتر را تحت عنوان دولت مطلقه (Absolutism) نیز مورد بررسی قرار می‌دهند. از منابع مناسب در این زمینه پژوهش اندرو وینست است. او با دقت توضیح می‌دهد که دولت مطلقه، دولت‌های استبدادی، استبداد روشنفکرانه، دیکتاتوری، حکومت فردی، توتالیتر و حکومت دینی نیست و این نوع دولت را به عنوان دولت مدرن و بی‌سابقه در قبل، مورد بررسی قرار داده و خاستگاه عمده آن را فرانسه قرن شانزدهم می‌داند. (وینست: ۱۳۷۱، صص ۱۲۲-۷۷).

هر کس نسبت
به شخص
خود حق
مالکیت دارد.
وظیفه حاکم
تأمین
وضعیتی
است که در آن
هر کس بتواند
کاملترین
بهره‌برداری
را از آن حق به
عمل آورد.

دارد و مشروعیت آن از جامعه است. اشکالی که در اینجا رخ می‌نماید آن است که در صورت حاکمیت مطلق حاکم، ممکن است حریم خصوصی شهروندان تهدید شود. اما هابز بدین اشکال و شبهه توجه دارد و در آثار مختلف سیاسی‌اش بدان می‌پردازد. مهم‌ترین مباحث هابز را می‌توان در قوی‌ترین و مبسوط‌ترین اثر سیاسی‌اش «لویاتان» دید. از نگاه او وظیفه حاکم تأمین امنیت مردم است و منظور از امنیت نه صرفاً صیانت حیات، بلکه همه خرسندی‌ها و بهره‌گیری‌های زندگی است که هر کس باید از طریق کار و کوشش قانونی بدون ایجاد خطر یا آسیبی برای کشور، برای خود تحصیل کند. در اینجا هیچ‌گونه سخنی از دولت رفاهی در کار نیست. وضع به تعبیر «بی. مکفرسون» در مقدمه کتاب «لویاتان» کاملاً فردگرایانه است. به تعبیر خود هابز: «منظور آن است که این کار نه از طریق اعمال توجه و رعایت نسبت به افراد به میزانی بیش از صیانت ایشان از آسیب‌ها - هنگامی که به چنان آسیب‌هایی گرفتار می‌شوند؛ بلکه از طریق تأمین نظارت عمومی به وجهی که هم از لحاظ نظری و هم از حیث مصداقی در قواعد دستورهای عمومی و نیز در وضع و اجرای قوانین نیکو مندرج باشد، اعمال می‌شود. قوانینی که افراد می‌توانند در موارد خاص خود به کار ببرند» (Hobbes:1984,p175).

هر کس نسبت به شخص خود حق مالکیت دارد. وظیفه حاکم تأمین وضعیتی است که در آن هر کس بتواند کامل‌ترین بهره‌برداری را از آن حق به عمل آورد. در میان چیزهایی که آدمی نسبت به آن‌ها حق تملک دارد، گرمی‌ترینشان جان و جسم و در درجه دوم (در مورد اغلب کسان) اعضای مربوط به حب زناشویی و پس از آن، ثروت و وسایل زندگی است. شخص حاکم باید به مردم آموزش دهد که به همه انواع تملکات خود احترام و ارج بگذارند. (Ibid,p179).

همچنین از نگاه هابز، در دولت اوتالیتز و حاکمیت مطلقه، برخلاف وظیفه حاکم است که بگذارد مردم نسبت به مبانی و دلایل





حقوق اساسی حاکمیت، ناآگاه بمانند و یا اطلاعات نادرستی در آن باره داشته باشند؛ زیرا در آن صورت در زمانی که دولت به اعمال و کاربرد آن حقوق نیاز داشته باشد، مردم به راحتی اغوا می‌شوند و در مقابل حاکم مقاومت می‌کنند. (هابز: ۱۳۸۵، ص ۳۰۲).^۱

۳) **نظام‌های لیبرالی:** اندیشه‌های لیبرالی، مبنای فلسفی و نظری نظام‌های دموکراتیک غرب امروز است. جوهر و تز اصلی لیبرالیسم تفکیک حوزه‌های دولت و جامعه و تحدید قدرت دولت در مقابل حقوق فرد در جامعه است. لیبرالیسم از آغاز، کوششی فکری به منظور تعیین حوزه خصوصی (فردی، خانوادگی، اقتصادی) در برابر اقتدار دولتی بوده است و به عنوان ایدئولوژی سیاسی از حوزه جامعه مدنی در برابر اقتدار دولت مطرح می‌باشد. بنابراین از دولت مشروطه و مقید به قانون و آزادی‌های فردی و حقوق مدنی به ویژه مالکیت خصوصی دفاع کرده است. بر طبق اصول لیبرالیسم، حق دولت برای دخالت در زندگی خصوصی و مدنی باید با قیودی نیرومند و مشخص محدود گردد. (بشیریه: ۱۳۷۸، ص ۱۲).
از جمله متفکران لیبرالی قرن بیستم «فردریش هایک» است. او به تعبیر دیوید هلد در کتاب «مدل‌های دموکراسی»، از دموکراسی قانونی (دموکراسی به معنای حکومت قانون) دفاع می‌کند. اما توضیح می‌دهد که ممکن است قوانین هم خودسرانه باشند و از این رو، او میان دو نوع قانون تمیز می‌دهد: یکی قواعد رفتار عادلانه و دیگری امر و دستور. از نگاه او قانون همان اوامر مدون حکومت نیست، هر چند امریه حکومت خود صورت قانون داشته باشد. قانون به این معنا، حاکم بر رفتار همه افراد بوده و نیز اصولاً بازدارنده است نه وادارنده. دولت باید به وسیله همین قوانین بازدارنده، حوزه‌های خصوصی زندگی فرد و آزادی او را تأمین کند. از همین رو، امور ماهوی مربوط به زندگی فرد مثل معیشت، درآمد و مسکن او در حوزه مکانیسم بازار قرار دارد و از حدود صلاحیت دولت خارج است. (بشیریه: ۱۳۷۴، ص ۱۴۸).^۲

۴) **اندیشه آنارشیستی:** در بحث تعامل نظام‌های سیاسی با حریم خصوصی شهروندان، قطب مقابل اندیشه توتالیتری، نگاه‌های آنارشیستی است که از جانشینی اجتماعات اختیاری

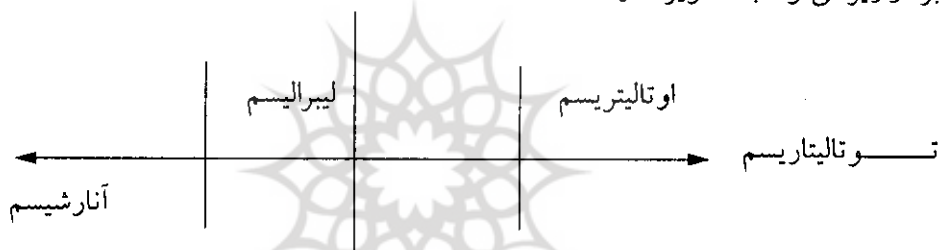
۱. ترجمه لویاتان را که حاوی مقدمه مبسوط سی. بی. مکفرسون نیز می‌باشد، ببینید: هابز، توماس (۱۳۵۸) لویاتان، ترجمه: حسین بشیریه، تهران، نشر نی، چاپ چهارم. بحث تفصیلی مباحث مربوط به این نوشتار در فصل سی‌ام کتاب تحت عنوان «در باب وظیفه نماینده حاکمیت» قابل ملاحظه است.

۲. مبسوط اندیشه سیاسی هایک را ببینید در: کری، جان (۱۳۷۹) فلسفه سیاسی فون هایک، ترجمه: خشایار دیهیمی، تهران، نشر طرح نو.

و آزاد گروه‌ها و افراد انسانی به جای حکومت سازمان یافته حمایت می‌کند؛ به عبارت دیگر، تز اصلی اندیشهٔ آنارشستی دفاع جدی از حریم خصوصی افراد، حتی به قیمت حذف دولت است. (حال آن‌که در اندیشهٔ لیبرالی دولت به عنوان امر شر، ضروری تلقی می‌شود).

نخستین بار «پرودون» فرانسوی در قرن نوزدهم، در رسالهٔ معروفش موسوم به «ثروت چیست» اصطلاح آنارشی را به کار برد و آن را مترادف با «جامعه بی‌دولت» دانست و در آن مردم را به سرنگون ساختن دولت و نظام اقتصادی جاری دعوت کرد. او مدعی بود که در جامعهٔ آرمانی، هر انسانی قانون خاص خود را وضع یا مقرر می‌دارد. (حلبی: ۱۳۷۵، ص ۸۴).^۱

نسبت جایگاه حریم خصوصی از نگاه نظام‌های سیاسی در مکاتب مورد بحث را، در بردار زیر می‌توان به تصویر کشید:



با توجه به قطب‌بندی گرایش‌های موجود در فلسفهٔ سیاسی و اقسام نظام‌های سیاسی و نسبت آن‌ها با حریم خصوصی شهروندان، اکنون این پرسش کلیدی را می‌توان مورد بررسی قرار داد که نظام اسلامی با کدام یک از رویکردهای یاد شده قرابت دارد؟ آیا به رویکردی توتالیتاری و اوتالیتاری نزدیک‌تر است یا نظام‌های لیبرالی و آنارشستی؟ و آیا این‌که با هیچ‌یک از مدل‌ها و رویکردهای یاد شده نسبتی ندارد و خود مدل ویژه‌ای را در تعامل با حریم خصوصی شهروندان تعریف و تحدید می‌کند؟ در این صورت نهایتاً باید بدین پرسش پاسخ داد که اگر یک بردار براساس رویکردهای مختلف در تعیین نسبت نظام‌های سیاسی و حریم خصوصی شهروندان ترسیم شود، جایگاه نظام اسلامی کجای این بردار و در کدام محدودهٔ این قطب بندی قرار می‌گیرد؟

۱. به طور کلی می‌توان از شش نحلهٔ اصلی آنارشسیم سخن گفت: آنارشسیم فردگرا، جمع‌گرا، تعاونی (که پرودون متفکر اصلی این نحله است)، کمونیستی، سندیکالیستی و آنارشسیم مسالمت‌جو. (بشیریه: ۱۳۷۴، ص ۱۶۴۵).



◁ ب) دولت اسلامی و حریم خصوصی شهروندان

مباحث این قسمت بر این مفروض اساسی استوار است که دین و سیاست تلازم داشته و نصوص دینی به تشکیل حکومت ارجاع می‌دهند و رهبران دینی از جهت دینی، رسالت تشکیل حکومت را دارند.^۱

برای بررسی نقش و شیوه تعامل دولت اسلامی درباره حیطه و حدود حریم خصوصی شهروندان، مباحث زیر در این مکتوب، مورد توجه‌اند: (۱) حریم خصوصی در کتاب، سنت و سیره؛ (۲) حریم خصوصی از نگاه امام خمینی.

(۱) **حریم خصوصی افراد در کتاب، سنت و سیره:** مباحث این بخش با مراجعه به برخی آیات قرآن مجید آغاز می‌گردد. از آیات مهم و شفاف در این موضوع، آیه ۱۲ از سوره حجرات است که می‌خوانیم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا

يَغْتَب بَعْضُكُم بَعْضًا﴾؛ «ای اهل ایمان، از بسیاری از پندارها در حق یکدیگر

اجتناب کنید که برخی از ظن و پندارها معصیت است و نیز هرگز از حال درونی

هم تجسس نکنید و به غیبت یکدیگر نپردازید.»

صاحب تفسیر المیزان در یک بحث لغوی اشاره دارد که «لا تجسسوا» (کلمه تجسس) به

معنای پی‌گیری و تفحص از امور مردم است؛^۲ اموری که مردم عنایت دارند پنهان بماند و تو

۱. گرچه در باره این مفروض نیز می‌توان تأملات اساسی داشت، ولی فضای این نوشتار فرصت طرح و مدلل کردن چنین مفروض و مدعایی را ندارد. در این زمینه نگارنده در نوشته‌های دیگری به صورت مبسوط داد سخن داده است. مراجعه شود به:

منصورنژاد، محمد، میری در اندیشه سیاسی دکتر مهدی حائری یزدی، نخستین همایش بین‌المللی مردم‌سالاری دینی، دانشگاه علامه طباطبایی و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، (زمستان ۱۳۸۲)، دفتر معارف.

منصورنژاد، محمد، تأملی بر ارتباط دین و حکومت از نگاه علی عبدالرازق: اسلام و مبانی قدرت، فصلنامه راهبرد، نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک، (پاییز ۱۳۸۱)، ش ۲۵
منصورنژاد، محمد، بررسی تطبیقی تعامل مردم و حاکم از دیدگاه امام محمد غزالی و امام خمینی، تهران، پژوهشکده امام و انقلاب اسلامی، (۱۳۸۲).

۲. بحثی مبسوط درباره واژه و اصطلاح مورد بحث و ارکان مادی، معنوی آن از منظر حقوقی را در منبع زیر ببینید: شامیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۳، تهران، انتشارات ژوبین، چاپ دوم، (۱۳۸۰)، صص ۱۲۲-۹۹. در این منبع جاسوسی از مصادیق جرائم بر ضد مصالح عمومی کشور مورد بحث قرار گرفته است.

آن‌ها را پی‌گیری کنی تا آگاه شوی و کلمه «تجسس»، نیز همین معنا را می‌دهد، با این تفاوت که تجسس در شرع استعمال می‌شود و تجسس در خیر به کار می‌رود. به همین جهت بعضی گفته‌اند، معنای آیه این است که دنبال عیوب مسلمانان را نگیرید و در این مقام بر نیابید که اموری را که صاحبانش می‌خواهند پوشیده بماند، تو آن‌ها را فاش سازی.^۱

در تفاسیر، ذیل بحث «لا تجسسوا»، اشاره به داستان‌هایی دارد که برداشت اصحاب پیامبر در صدر اسلام نسبت به محتوای آیه را بیان می‌کند. در تفسیر مجمع‌البیان ذیل این آیه آمده است که: از ابی‌قلابه روایت شده است به عمر بن خطاب گفته شد که ابامحجن ثقفی با جمعی از دوستانش در خانه شراب می‌نوشند، عمر به منزل او رفت و هنگامی که بر او وارد شد دید تنها یک نفر نزد اوست. ابو محجن به عمر گفت: ای امیرالمؤمنین، این کار بر تو حلال نیست. خداوند تجسس را بر تو حرام کرده است. عمر گفت این چه می‌گوید؟ زیدبن ثابت و عبدالله ابن ارقم گفتند: راست می‌گوید. راوی می‌گوید: عمر از خانه او بیرون رفت و رهایش کرد.^۲

همچنین در فرق غیبت «لا یغتب بعضکم بعضاً» با تجسس در تفسیر المیزان آمده است که غیبت، اظهار عیب مسلمانی است برای دیگران، چه این‌که عییش را خود ما دیده باشیم و یا از کسی شنیده باشیم و تجسس عبارت است از این‌که به وسیله‌ای علم و آگاهی به عیب او پیدا کنیم، ولی در این‌که هر دو عیب‌جویی است، مشترک‌اند. در هر دو می‌خواهیم عیبی پوشیده بر ملا شود: در تجسس برای خود ما بر ملا می‌شود و در غیبت برای دیگران.^۳

نکاتی که در این آیه در رابطه با عدم ورود به حریم خصوصی قابل استفاده است، آن‌که؛ اولاً: این آیات شامل حال مؤمنان و مسلمانان، چه به صورت انفرادی و چه در قالب حکام و دولتمردان می‌گردد، ثانیاً: مخاطبان این آیه برای مورد سوءظن قرار نگرفتن، تجسس نشدن و غیبت نکردن، مؤمنان و مسلمانان است و ثالثاً: عدم ورود به حیطة خصوصی، در فرهنگ قرآنی، نکته‌ای فراتر از عدم ورود به حریم خصوصی دیگران در قالب‌های حقوقی - سیاسی متداول است که امروز مکاتب جدید مطرح نموده و در گفتمان حقوق بشری قابل فهم است و حکایت از آن دارد که معابر ورود مسلمانان به حریم شخصی دیگران مسدودتر و موانع اساسی‌تری را در پیش دارند و در صورت سوءظن، تجسس و غیبت، ایمانشان به خطر

۱. طباطبایی، المیزان، ۱۳۶۳، ج ۱۸، ص ۴۸۳

۲. طبرسی، مجمع‌البیان، ۶۰-۱۳۵۰، ج ۲۳، ص ۲۱۲

۳. طباطبایی، پیشین، صص ۷-۴۸۵



می افتد و حتی عقوبت اخروی دارد. چون منهی خدای سبحان است.
آیه دیگری که می توان در بحث حریم خصوصی افراد بدان استناد نمود، آیات ۲۷ و ۲۸
سوره نور است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بِيُوتًا غَيْرَ بِيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ
أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ * فان لم تجدوا فيها أحداً فلا تدخلوها حتى
يُؤذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارجعوا فارجعوا هو أزمى لكم والله بما تعملون عليم﴾.
«ای اهل ایمان، هرگز به هیچ خانه، مگر خانه های خودتان، تا با صاحبش انس
ندارید وارد نشوید و چون رخصت یافته داخل شوید، به اهل آن خانه نخست
سلام کنید و این برای شما بهتر است که متذکر شوید. و اگر در خانه کسی را نیافتید
باز وارد نشوید تا اجازه یافته آنگاه درآیید و چون به خانه ای درآمدید و گفتند
برگردید، باز گردید که این برای تنزیه و پاکی شما بهتر است و خدا به هر چه
می کنید، داناست.»

در تفسیر نمونه ذیل آیه ۲۷ آمده است که: جمله «تستأنسوا» (نه تستاذنوا) از ماده انس
گرفته شده؛ اجازه ای توأم با تحیت و لطف و آشنایی و صداقت را می رساند و نشان می دهد که
حتی اجازه گرفتن باید کاملاً مؤدبانه و دوستانه و خالی از هرگونه خشونت باشد. بنابراین،
هرگاه این جمله را بشکافیم، بسیاری از آداب مربوط به این بحث در آن خلاصه شده است،
مفهومش این است: فریاد نکشید، در را محکم نکوبید، با عبارات خشک و زننده اجازه
نگیرید و به هنگامی که اجازه داده شد، بدون سلام وارد نشوید؛ سلامی که نشانه صلح و صفا
و پیام آور محبت و دوستی است.^۱

در روایت آمده است که مردی خدمت پیامبر عرض کرد: از مادرم هم اجازه بگیرم؟
فرمود: آری و گفت: او به جز من خادمی ندارد. آیا باید از او اجازه بگیرم؟ فرمود: آیا میل
داری او را عریان ببینی؟ مرد جواب داد، نه. فرمود: پس اجازه بگیر.^۲
در مجمع البیان ذیل آیه ۲۸ آمده است: به هیچ وجه نمی توان داخل خانه غیر شد؛ اعم از
این که صاحب خانه در خانه باشد یا نباشد، مگر این که اجازه داده شده باشد. حتی جایز نیست

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۲۷

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۷، ص ۱۲۲

به داخل خانه نگاه کند تا بداند که کسی در آن هست یا نیست، مگر این که در خانه باز باشد.^۱ آیات دیگری که می توان در بحث حاضر بدان استشهاد کرد، آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور می باشد:

﴿قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ... وَ قُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...﴾
 «رسول ما، مردان مؤمن را بگو تا چشم ها (از نگاه ناروا) بپوشند... و به زنان مؤمن بگو تا چشم ها (از نگاه ناروا) بپوشانند.»

در ابتدای نوشتار دیدیم که حریم خصوصی حیطه های منزل، اماکن، کار، اطلاعات، ارتباطات و مسائل جسمانی را پوشش می دهد. حداقل نکته ای که از آیات یاد شده در سوره نور برداشت می شود آن است که زن و مرد حتی در محیط کار و... نمی توانند نگاه یله، رها و آزاد به یکدیگر داشته باشند، چه رسد که به منازل یکدیگر سرک بکشند و یا جسم یکدیگر را در شرایط نامناسب و خاص، نگاه کنند.

در اینجا نیز دایره حریم خصوصی افراد از حد متعارف و متداول در جهان امروز فراتر می رود و مصادیقی از نگاه اسلامی جزء حریم خصوصی به حساب می آیند که از نگاه غیر اسلامی ممکن است حریم ممنوعه تلقی نگردد؛ (مثلاً نگاه به زن نامحرم در غیر از کف و وجهین). در سوره نور، آیه ۱۹ درباره اشاعه دادن فحشا نکته مهمی آمده که در راستای بحث قابل استفاده است. در آیه یاد شده آمده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَجْبُونَ ان تَشِييعَ الْفَاحِشَةِ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾
 «آنان که دوست دارند در میان اهل ایمان کار منکری را اشاعه و شهرت دهند، آن ها را در دنیا و آخرت عذاب دردناک خواهد بود و خدا (فتنه گری و دروغشان را) می داند و شما نمی دانید.»

درباره آیه یاد شده در تفسیر نمونه می خوانیم: باید توجه داشت که اشاعه فحشا منحصر به این نیست که انسان تهمت و دروغ بی اساس را در مورد زن و مرد با ایمانی نشر دهد و آن ها را به عمل منافی عفت متهم سازد.



این تعبیر مفهوم وسیعی است که هرگونه نشر فساد و اشاعه زشتی‌ها و قبیح و کمک به توسعه آن را شامل می‌شود.

اما این‌که می‌گوید: آن‌ها عذاب دردناکی در دنیا دارند، ممکن است اشاره به حدود و تعزیرات شرعی و واکنش‌های اجتماعی و آثار شوم فردی آن باشد، علاوه بر این، محرومیت آن‌ها از حق شهادت و محکوم بودنشان به فسق و رسوایی نیز از آثار دنیوی آن است و اما عذاب دردناک آخرت، دوری از رحمت خدا و خشم و غضب الهی و آتش دوزخ می‌باشد.^۱ از آنجا که در حریم خصوصی افراد، احتمال ضعف، نقص، آلودگی و... وجود دارد، اولاً: تجسس از آن‌ها حرام است و ثانیاً: در صورت آگاه شدن از آن‌ها، به هر طریق، اشاعه آن عیوب نیز مجاز نبوده و عذاب دنیوی و اخروی را به همراه دارد.

پس از قرآن، در جوامع روایی به موضوعات مرتبط با حریم خصوصی فراوان می‌توان استشهاد نمود. در این جا جهت رعایت اختصار، تمرکز اصلی بر نهج البلاغه خواهد بود؛ زیرا که حضرت امیر، سابقه تدبیر نظام اسلامی داشته و به موضوع نوشتار نزدیکتر است.^۲ در موارد عدیده‌ای حضرت علی علیه السلام به وجود عین و جاسوس در دولت علوی اشاره دارد. نامه ۴۰ نهج البلاغه با «فَقَدْ بَلَغَنِي عَنْ أَمْرٍ...» آغاز می‌شود و یا در نامه ۳۳ با صراحت آمده است: «فَإِنْ عَيَّنِي بِالْمَغْرِبِ، كَتَبْتُ إِلَيْكَ...؛ همانا مأمور اطلاعاتی من در شام به من خبر داده است...». قریب به این مضامین که حکایت از وجود جاسوسان و کنترل کنندگان در حکومت اسلامی دارد. از جمله در نامه‌های ۳۳، ۴۴ و ۴۵.

در نامه ۵۳ نیز حضرت امیر به استاندارش مالک در حین اعزام به مصر می‌نویسد:

«وَابْعَثِ الْعَيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ
خِدْوَةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ.»

۱. مکارم شیرازی، پیشین، ص ۴۰۳

۲. از منابع دیگر قابل ارجاع درباره گفتن اسرار مردم و ستر عورات دیگران، صحیفه سجاده است که در قالب دعا، فرهنگی را برای مسلمانان و شیعیان تولید می‌کند که در جامعه دینی اصل بر رازداری است و عدم ورود به حیطه دیگران (دعای ۴۱) و پوشاندن اسرار مردم (دعای ۲۶) و اگر احیاناً فردی بدین آفت آلوده گشت، باید از خدایش عذر بخواهد: «وَمَنْ قَبِيحَ مَوْظِعٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ اسْتَرْه» (دعای ۳۸) و این‌ها حکایت از آن دارند که نه تنها باید وارد حریم خصوصی دیگران نشد، بلکه اگر از هر طریقی اطلاعاتی در باره دیگران دارد و به عیوب آن‌ها آگاه است، باید رازداری و کتمان سرّ نماید.

«رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفایه بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی پنهان تو از کار آنان، سبب امانت‌داری و مهربانی رعیت خواهد بود.»

در ادامه این نامه، از مالک خواسته شده که از همکاران نزدیک‌تر، سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد به همین مقدار گواهی قناعت نموده، او را با تازبانه کیفر کن.

آنچه که از این فقرات نقل شده و قابل استنتاج است، آن‌که:

(۱) وجود جاسوسان از سویی برای خبرگرفتن از دشمنان حکومت اسلامی و جامعه دینی است.

(۲) فلسفه وجودی دیگر جاسوسان، نظارت بر کار مسئولان و متولیان امر در حکومت دینی می‌باشد.

(۳) در هیچ‌یک از مباحثی که به وجود نظار و مأموران اطلاعاتی اشاره دارد، حاکمان اسلامی مأمور به نظارت بر امور شخصی مردم نشده‌اند و افرادی برای کنترل امور خصوصی نه تنها تعیین نشده‌اند، بلکه حتی در همان نامه ۵۳ به مالک اشتهر آمده است:

«وَلِيَكُنْ أَبْعَدُ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَ أَشْنَأُ هُمْ عِنْدَكَ أَطْلُبُهُمْ لِمَعَايِبِ النَّاسِ، فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا الْوَالِي أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا فَلَا تَكْثِفَنَّ عَمَّا غَابَ عِنْدَكَ مِنْهَا، فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ وَلِلَّهِ يَحْكُمُ عَلَى مَا غَابَ عِنْدَكَ، فَاسْتِرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتُرْ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُجِبُّ سِتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ.»

«از رعیت، آنان را که عیب‌جو‌ترند، از خود دور کن؛ زیرا مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است. پس مبادا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی و آنچه که هویدا است بپوشانی، که داور در آنچه از تو پنهان است با خدای جهان می‌باشد. پس چندان که می‌توانی زشتی‌ها را بپوشان تا آنچه را که دوست‌داری بر رعیت پوشیده ماند، خدا بر تو بپوشاند.»

این کلام، حکایت از آن دارد که ورود به حریم عمومی و خصوصی مردم از سوی حکومت مورد نهی حضرت امیر به عنوان امام شیعه و رهبر نظام اسلامی است. نکته قابل توجه آن است که امام علی علیه السلام در نزدیک به چهارده قرن پیش به نکاتی (مردم‌گرایی، توجه به



حقوق و آزادی‌های فردی و حفظ حریم خصوصی و...) توجه داشته که در قرون اخیر و در گفتمان دموکراتیک و در اندیشه لیبرالی بدان اشاره گردیده و ارجاع داده می‌شود.^۱

۴) عیب جویی به صورت عام و کلی از نگاه حضرت امیر مطرود است و نباید از ویژگی‌های فرهنگ جامعه اسلامی باشد. چنانچه در خطبه ۱۴۰ آمده است:

«جرات بر عیب‌جویی از مردم، خود گناه بزرگ‌تری است. ای بنده خدا، در گفتن عیب کسی شتاب مکن، شاید خدایش او را بخشیده باشد... پس هر کدام از شما که به عیب کسی آگاه است، به خاطر آنچه که از عیب خود می‌داند، باید از عیب جویی دیگران خودداری کند.»

۵) حضرت امیر در عین حال که از عیب‌جویی دیگران دور بوده و دیگران را نهی می‌کرد، از افشاگری و طرح نقاط ضعف و عیوب ناکثین و مارقین (خطبه ۳۶) و قاسطین (نامه ۳۰) خودداری نکرده؛ بلکه در نمایاندن چهره جریان‌های سیاسی علیه حکومت علوی فعال بود. این نکته حاوی چند پیام مهم است:

اول آن‌که: اگر در حکومت دینی، گروه‌ها حق اظهار نظر دارند، دلیلی ندارد که دولت اسلامی در مقابل فعالیت‌های آن‌ها ساکت بماند و زیر سؤال برود. هم، آن‌ها در چارچوب‌هایی می‌توانند اظهار نظر کنند، هم دولتمردان حق دفاع از خود را دارند.

دوم آن‌که: داستان جریان‌های سیاسی فعال علیه حکومت و حاکم اسلامی با مردم عادی از بنیاد متفاوت است. آن‌ها که اهل مناقشه هستند، طبعاً از پاتک‌های سیاسی در امان نمی‌مانند و چنین افشاگری‌هایی علیه افراد عادی و حریم خصوصی آن‌ها معنا نداشته و بی‌وجه است.

سوم آن‌که: جریان‌های سیاسی که در کار گروهی و در زدوبندهای سیاسی فعال‌اند، از

۱. از متفکران اندیشه لیبرالی، «متسکیو» است. وی در «روح القوانین» وجود جاسوسان در حکومت مشروطه، برای کنترل بر امور مردم را نفی می‌کند. او می‌نویسد: «چنانچه اشخاص در ستکار به این شغل گماشته شوند، شاید جاسوسی بد نباشد. اما رذالتی که برای اشخاص جاسوس لازم است، به رذالت عمل جاسوسی دلالت می‌کند. پادشاه باید نسبت به اتباع خود با سادگی، صداقت و اطمینان رفتار کند. کسی که نگرانی و ترس و سوءظن داشته باشد و محتاج به جاسوسی گردد؛ مانند بازیگری است که برای بازی کردن نقش خود و امانده است. ولی وقتی می‌بینید قوانین به طور کلی در نهایت استحکام و محترم می‌باشد، می‌تواند خود را در امان بداند... در عین حال هر کس باید در خانه خود در پناه بوده و رفتارش در امان باشد تا وظایف خود را به خوبی انجام دهد. (متسکیو: ۱۳۶۲، صص ۳-۳۶۲).

جرگه مباحث حریم خصوصی افراد که معمولاً نظر به افراد به صورت جداگانه و شخصی دارند، جداست و لذا افشاگری علیه سرمداران سیاسی، از مقوله ورود به حریم خصوصی افراد نیست؛ زیرا اینجا مخاطب تشکل های سیاسی و اجتماعی اند. از این رو، افشاگری حضرت امیر در بحث ورود به حریم خصوصی قابل طرح نیست و به اصطلاح سالبه به انتقاع موضوع است.

در نهایت حداقل چیزی که از این قسمت از بحث قابل ملاحظه است، آن است که اگر پرسیده شود با توجه به نصّ وارده قرآنی در سوره حجرات آیه ۱۲، که تصریح بر عدم تجسس دارد «لاتجسسوا»، چگونه می توان وجود جاسوسان در حکومت اسلامی را مشروع دانست؟ پاسخ آن است که برای کنترل فعالیت های دشمنان و برای نظارت بر امور مردم وجود عین و مأموران اطلاعاتی و انجام تجسس به جهت ضرورت عقلی و حفظ سلامت دینی، حفظ بیت المال و جلوگیری از خیانت به مردم «لاتجسسوا» تخصیص می خورد و حیطة «لاتجسسوا» و عدم تجسس مربوط به حیطة خصوصی شهروندان حکومت دینی می باشد.

◀ امام خمینی و حریم خصوصی شهروندان

منطقاً جا داشت که در بحث از نظام اسلامی و حریم خصوصی شهروندان، آراء متفکران مختلف مورد بررسی قرار می گرفت. اما هم به جهت محدودیتی که از نظر حجم برای مقاله وجود دارد و هم به جهت اهمیت طرح دیدگاه امام خمینی علیه السلام که معمار نظام جمهوری اسلامی ایران در دهه های اخیر و در عصر ایدئولوژی های جدی رقیب می باشند و اندیشه ایشان به عنوان کارشناس دینی نیز استنباطی از منابع دینی، بدون ملاحظات عینی و عملی نیست که صرفاً جنبه نظری و آرمانی داشته باشد، بلکه باورهایی است که به وسیله تجربه و عمل آزمون گردیده اند، به خصوص این که خود ایشان ولایت امور را در بالاترین سطح در این نظام بر عهده داشته اند و نظام سیاسی تأسیسی و دیدگاه های ایشان مورد اقبال و تجزیه و تحلیل وسیع جهانی اند، در این نوشتار موجز، تنها مواضع امام خمینی در موضوع^۱ به صورت بسیار کوتاه مورد اشاره قرار می گیرد.

۱. برای ملاحظه فتاوی برخی دیگر از مراجع درباره این پرسش که تجسس و تفحص در امور شخصی و حریم خصوصی افراد چه حکمی دارد و... مراجعه شود به: سراج: ۲۹ فروردین ۱۳۶۸، ص ۷، در این منبع درباره حریم خصوصی شهروندان در لوایح دولت ها و طرح های مجلس شورای اسلامی مطالبی آمده است.



مباحث مربوط به حفظ حریم افراد را می‌توان در گفتمان اخلاقی امام خمینی علیه السلام نیز جست. برای نمونه، در این زمینه کتاب «شرح چهل حدیث»، با بهره‌گیری از روایات، کشف سرّ مؤمنین را حرام دانسته و دربارهٔ عیوب مستور نیز اعم از خلقی، خلقی، عملی و... به قصد انتقاص یا غیر آن، مورد حرمت قرار گرفته است.^۱

اما بنا بر رسالت نوشتار حاضر که حریم خصوصی شهروندان در نظام اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد، شایسته است به صورت مشخص، نگاه‌های سیاسی امام خمینی مورد توجه بیشتر قرار گیرند. امام خمینی در مباحث ولایت فقیه، از جمله نکاتی که اشاره دارد و دیدگاه ایشان در حیطهٔ ورود به حریم شخصی افراد در عصر غیبت از سوی حاکم اسلامی را می‌رساند، آن است که در این زمان اصل بر عدم دخالت در حریم خصوصی افراد است، مگر آن‌که به دلیل مصلحت، این اصل نادیده گرفته شود. به قلم ایشان می‌خوانیم:

«همهٔ اختیاراتی که در خصوص ولایت و حکومت برای پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام معین شده است، عیناً برای فقیه نیز معین و ثابت است. اما اگر ولایتی از جهت دیگر، غیر از زمامداری و حکومت برای ائمه علیهم السلام معین دانسته شود، در این صورت، فقها از چنین ولایتی برخوردار نخواهند بود. پس اگر بگوییم امام معصوم راجع به طلاق دادن همسر یک مرد یا فروختن و گرفتن مال او گرچه مصلحت عمومی هم اقتضا نکند، ولایت دارد، این دیگر در مورد فقیه صادق نیست و او در این امور ولایت ندارد.»^۲

اما شفاف‌ترین مواضع امام خمینی در دفاع از حریم خصوصی شهروندان از موضع حاکم اسلامی در جمهوری اسلامی ایران، پیام هشت ماده‌ای صادره از جانب ایشان است. امام خمینی علیه السلام نوزدهم سال ۱۳۶۰ را - که قریب ۶ ماه بود ایران اسلامی مورد هجوم رژیم بعثی قرار داشت و امنیت ملی به مخاطره افتاده بود و قسمت‌های مهمی از خاک کشور در اشغال متجاوزان بود - سال «قانون» نامیدند و در ۶۱/۹/۲۴ که همچنان ملت ایران درگیر جنگ با عراق و حامیانش بود، در دفاع از حریم افراد پیامی را صادر کردند که به بیانیهٔ هشت ماده‌ای شهرت یافت. از جمله نکات این پیام آن است که:

۱. امام خمینی، شرح چهل حدیث، ۱۳۷۱، ص ۳۰۲

۲. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۶۶

بند ۴) هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی - که از روی موازین شرعیه باید باشد - توقیف کند یا احضار نماید. هر چند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف، جرم است و موجب تعزیر شرعی است.

بند ۵) هیچ کس حق ندارد در مال کسی، چه منقول و چه غیر منقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید، مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق ثبوت حکم از نظر شرعی.

بند ۶) هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود. یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم - هر چند گناه بزرگ باشد - شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید، یا اسراری که از غیر به او رسیده و لو برای یک نفر، فاش کند. تمام این‌ها جرم و گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشا و گناه آن از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آن‌ها موجب حد شرعی می‌باشد.

بند ۷) آن چه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهک‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است... و مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی، از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آن جا با آلت لهو و آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدر، برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند. چرا که اشاعه فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است، عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد و اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است، در حکم مفسد فی الأرض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است و باید علاوه بر ضبط آن چه از این قبیل موجود است، آنان را به مقامات قضایی معرفی کنند و



هم چنین هیچ یک از قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به واسطه آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی که صادرکننده و اجراکننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است.

درباره موضع امام خمینی در دفاع از حریم خصوصی افراد، نکات چندی قابل توجه است:

۱) از سویی ایشان به عنوان ولایت امر و بالاترین مرجع اقتدار در ایران، چنین بیانیه ای را صادر کردند نه به عنوان فقیهی که جدای از واقعیت های سیاسی و اجتماعی، صرفاً با مراجعه به منابع فتوای دهد و از سوی دیگر وضعیت کشور ناامن بود و معمولاً دولت ها در وضعیت عادی برای ورود به حریم خصوصی دیگران سعی دارند اوضاع را بحرانی جلوه دهند تا مداخلاتشان موجه بنماید، اما امام خمینی در حالی که امنیت ملی به طور جدی در معرض تهدید بود، در چنان فضایی به یاد حقوق شهروندان بود که درک وضعیت و موقعیت صدور بیانیه حکایت از جایگاه ویژه حریم خصوصی افراد در نگاه ایشان می کند.

۲) استثنای ایشان برای مجاز بودن تجسس، در خطر بودن اسلام و نیز وجود مفسدین و گروه های خرابکار در داخل بود^۱ و این نکته در راستای مباحثی بود که از سیره علوی نقل گردید که جریان های سیاسی و اجتماعی در حکومت اسلامی تحت نظر بوده و اصلاً مواجهه با آنها از مصادیق ورود به حریم خصوصی افراد نیست.

۳) فلسفه حکم نیز در پایان همین پیام آمده که جلوگیری از ستم بر مردم، تقویت احساس آرامش و امنیت شهروندان است.

۴) از جمله نکات قابل استنباط آن است که نمی توان به بهانه حفظ امنیت ملی، آزادی های آحاد جامعه را نادیده گرفت^۲ و وقتی استبداد در شرایط بحرانی و حاد غیر موجه است، در شرایط عادی به طریق اولی مذموم بوده و ورود به حیطه های خصوصی افراد و آزادی های اشخاص توجیهی ندارد.

۵) با توجه به رویکرد امام خمینی در تعامل مردم با حاکم و حکومت می توان به راحتی

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۵

۲. برای ملاحظه تفصیلی موضوع بحث، مراجعه شود به: منصورنژاد، محمد (بهار ۱۳۸۵) مقاله امنیت ملی و آزادی سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، قم، دانشگاه باقرالعلوم، ش ۳۳، صص ۱۵۳ - ۷۰

نمی‌توان به
بهانه حفظ
امنیت ملی،
آزادی‌های
آحاد جامعه را
نادیده گرفت.

نگاه مردم‌سالار ایشان را درباره حکومت مطلوب ملاحظه نمود. به عبارت دیگر، طبیعی بود که امام خمینی علیه السلام به عنوان مجتهد، مرجع تقلید و کارشناس دینی، از اسلامیت نظام دفاع می‌کنند، اما نکته بدیع و قابل توجه این بود که امام خمینی به بهانه دفاع از اسلامیت و جمهوریت، مطالبات آحاد جامعه را ذبح ننمود و خود در جایگاه حاکم اسلامی، مهم‌ترین مدافع حقوق مردم و محافظ حریم خصوصی آنان بود. از این رو، جمهوریت نظام هم همانند اسلامیت آن کاملاً برای امام خمینی موضوعیت داشت.

۶) نکته دیگری که از این پیام قابل استفاده است، آن‌که: عدم ورود دولت اسلامی به حیطة خصوصی دیگران، تنها در شیعیان یا مسلمانان و یا اقشار خاص خلاصه نشده و همه شهروندان ایرانی را در بر می‌گرفت؛ به عبارت دیگر، حکم عدم ورود به حیطة خصوصی همه اقلیت‌های دینی و پیروان مذاهب اسلامی و سایر ایرانیان را پوشش می‌دهد.

◁ (ج) نتیجه‌گیری

۱) در گفتمان دینی - اسلامی، انسان خلیفه خداست^۱ و از جمله اوصاف الهی با توجه به دعای جوشن کبیر به قرار زیر است: او به آشکار و پنهان آگاه است. (یارب الاعلان والاسرار) در عین حال از ویژگی‌هایش، ظاهر نمودن زیبایی‌های افراد و پوشاننده بدی‌ها و عیوب است و پرده‌دری نمی‌کند (یا ساتر، یا ساترالعورات، یا ستارالعیوب، یا ساتر کل معیوب و یا من لم یهتک السر).

قرار است بشر جانشین خدا در روی زمین باشد؛ از این رو، در باره دیگران اگر چیزی می‌داند و از حریم خصوصی آنان اطلاع دارد، بنا بر گفتمان سرّ و پوشاندن عیوب بگذارد، نه این‌که در صدد باشد وارد حریم خصوصی دیگران گردیده و پس از آگاهی، پرده‌دری



نماید. چنانچه اشاره شد، به نص قرآنی، اصل بر عدم تجسس است.

دولتمردان وظیفه سنگین تری نسبت به آحاد جامعه در حفظ حرمت و حریم دیگران دارند، از این رو، در نگاه اسلامی، اصل بر عدم ورود به حریم خصوصی دیگران است. (۲) از جهت عقلی نیز می توان آثار و تبعات حرمت شکنی، و هن به مردم و تضییع حقوق خصوصی شهروندان را مدلل نمود:

(۲-۱) از جمله آثار سوء ورود به حریم خصوصی دیگران، اگر به صورت فرهنگ در آید، آن است که امنیت روانی و روحی همه آحاد جامعه به خطر می افتد.

(۲-۲) از جمله آثار جرأت ورود افراد و دولتمردان به حریم خصوصی افراد آن است که: گناه شایع می شود و بدی ها عمومی، عادی، همگانی و قبیح زدایی می گردد.

(۲-۳) در چنین صورتی، حقوق فردی شهروندان و آزادی های خصوصی کلاً پایمال می شود و جایگاهی برای حریم خصوصی افراد باقی نمی ماند.

(۲-۴) چنین نظام های سیاسی، علاوه بر این که اعتماد مردمی و ملی را از دست می دهند و رابطه مطلوبی بین آن ها و جامعه برقرار نمی شود، بلکه به شدت هزینه بر، نیز می گردند.

(۳) به نظر می رسد که دانستن از ویژگی های آدمی است و انسان برای دانستن امور مخفی تر دیگران، علاقه، حرص و ولع بیشتری نشان می دهد. از این رو، برای ایجاد فرهنگ رعایت حریم خصوصی دیگران باید به تمرین، تکرار، آموزش و... روی آورد.

(۴) منع ورود به حریم خصوصی شهروندان در نگاه دینی، فراتر از قواعد حقوقی، اداری، سازمانی و سیاسی، پایه ها، زیر ساخت ها و مبانی اخلاقی، معنوی، عرفانی و باطنی است. بسیاری از گناهانی که کبیره شمرده شده اند، مواد خام مناسبی برای تحریم ورود دولتمردان و عناصر نظام سیاسی به حریم خصوصی شهروندانند؛ مثلاً اگر سوء ظن گناه است^۱، اگر بهتان زدن به دیگران گناه کبیره است و...^۲ با این مواد و عناصر، فراتر از نگاه های لیبرالی و یا مردم سالار، که ادعای حرمت حریم خصوصی افراد را دارند، در جامعه اسلامی می بایست حریم خصوصی افراد را پاس داشت.

(۵) ورود دولت ها به حریم خصوصی افراد، اگر به بهانه تقویت ایمان دینی و تثبیت

۱. حجرات: ۱۲.

۲. برای ملاحظه نصوص وارده درباره موضوعات فوق، به بحث کبائر غیر منصوصه در کتاب گناهان کبیره اثر آیه الله عبدالحسین دستغیب مراجعه شود. (صص ۳۳۰-۳۱۰).

دیدگاه دولت
اسلامی در
مسأله
حریم خصوصی
شهروندان،
مانند دیدگاه
هیچ یک از
چهار نظام
سیاسی متأثر
از اندیشه
توتالیتری،
اوتالیتری،
لیبرالی و
آنارشستی
نیست.

معارف اسلامی صورت پذیرد نیز لزوماً به چنین نتیجه دلخواهی منتج نمی‌گردد؛ زیرا نمی‌توان معنویت، خلوص و اخلاص، صفای باطن و... را با تحکم تأمین نموده و بسط داد.

۶) بر خلاف دیدگاه برخی که معتقدند هیچ حق خصوصی و هیچ حریم ویژه شخصی وجود ندارد؛ زیرا با حقوق و منافع دیگر مرز مشترک دارد. ([Http://plato.stanford.edu/entries/privacy](http://plato.stanford.edu/entries/privacy))
بر اساس مباحث این نوشتار، برخی از حیطه‌های امور، به وضوح، عمومی و غیرشخصی‌اند. برخی از امور هم جای چند و چون خواهند داشت و خصوصی و یا عمومی بودن آن‌ها جای تحقیق و بررسی دارد.

۷) نکته مهم دیگر آن است که عدم ورود به حیطه خصوصی دیگران به معنای بی‌تفاوتی، مسؤولیت ناپذیری و اهتمام به امور دیگران نداشتن نیست، ولی هر کدام از این دو، مرزهای خاص خود را خواهند داشت. اهتمام به امور دیگران داشتن (از سوی دولت اسلامی و یا غیر دولت) با قصد دوستی و خدمت و از طریق محبت صورت می‌پذیرد، حال آن‌که ورود به حریم خصوصی دیگران، با انگیزه دشمنی و از طریق خیانت و آسیب محقق می‌گردد.

۸) نهایتاً، در پاسخ به پرسش اساسی مکتوب، می‌توان گفت: دیدگاه دولت اسلامی در مسأله حریم خصوصی شهروندان، مانند دیدگاه هیچ یک از چهار نظام سیاسی متأثر از اندیشه توتالیتری، اوتالیتری، لیبرالی و آنارشستی نیست؛ زیرا از سویی در مقابل نظام‌هایی است که ورود به حریم خصوصی را مجاز می‌دانند. (توتالیتری) و از سوی دیگر، در مقابل نظام‌هایی است که به نفعی دولت می‌انجامند (آنارشی) و در مقایسه با نظام‌های سیاسی که عدم ورود به حریم خصوصی شهروندان را می‌پذیرند (اوتالیتری و لیبرالی) نیز این تفاوت بنیادین را دارد که اولاً: مبانی اعتقادی، اخلاقی و حقوقی نظام اسلامی از آن رو که ریشه در جهان‌بینی توحیدی و



الهی دارد، با مبانی مکاتب مورد بحث، دارای تفاوت اساسی است و **ثانیاً**؛ جدا از این که دولتمردان حق ورود به حریم خصوصی افراد را به عنوان یک اصل ندارند و این اقدام در شرایط عادی از جهت حقوقی جایز نیست، از جهت معنوی و اعتقادی نیز چنین اقدامی مجازات اخروی را در پی دارد. از این رو، از جهت نظری امکان تأمین حقوق و حفظ حریم خصوصی شهروندان در نظام اسلامی بهتر از نظام‌های دیگر میسر و ممکن است و شهروندان در این سیستم باید مورد اعزاز و اکرام بیشتر باشند.

□



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

